

پیشینه و اهمیت دانش اصول فقه

به همراه معرفی نرم‌افزار «جامع اصول فقه - نسخه ۳»

به کوشش: علی خانی

akhani@noornet.net

اشاره

با توجه به برگزاری آیین رونمایی نرم‌افزار «جامع اصول فقه - نسخه ۳» در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و انعکاس آن در این شماره از فصلنامه ره‌آورد نور، ضروری می‌نمود تا نوشتاری را به معرفی تفصیلی این محصول اختصاص دهیم. از این رو، نگارنده با استفاده از بخش «درباره برنامه» این نرم‌افزار، متن حاضر را تنظیم و تدوین نموده است که امید است مورد استفاده علاقه‌مندان و پژوهشگران اصول فقه قرار گیرد.

مقاله پیش رو، مشتمل است بر پیشینه و اهمیت دانش اصول فقه و معرفی محتوای علمی و قابلیت‌های تحقیقاتی نسخه سوم نرم‌افزار «جامع اصول فقه».

معرفی دانش اصول فقه

به منظور آشنایی بهتر با نسخه جدید نرم‌افزار «جامع اصول فقه»، لازم است مقدمه‌ای مفصل در باره جایگاه و اهمیت علم اصول فقه ارائه شود و آنگاه به بیان محتوا و قابلیت‌های این محصول تخصصی خواهیم پرداخت.

علم اصول فقه، از دو واژه «اصول» و «فقه» تشکیل شده است. واژه «اصول»، جمع اصل و در لغت، به معنای چیزی است که شیء دیگری بر آن بنا می‌گردد. بنابراین، ریشه درخت و پایه خانه را اصل می‌نامند. واژه «فقه»، در لغت به معنی فهم است؛ اما فهم عمیق.

در قرآن کریم و اخبار و روایات رسول اکرم و ائمه اطهار(ع)، به تفقه در دین امر شده است و از مجموع آنها چنین استنباط می‌شود که نظر اسلام این است که مسلمانان باید اسلام را در همه شئون و از روی کمال بصیرت درک کنند. البته تفقه در دین، شامل همه معارف اسلام است؛ ولی آنچه میان مسلمانان از قرن دوم به بعد در مورد کلمه «فقه» مصطلح شد، قسم خاصی است که می‌توان آن را «فقه الأحکام» یا «فقه الاستنباط» خواند و آن، عبارت است از «فهم دقیق و استنباط عمیق قوانین عملی اسلامی از منابع و مدارک مربوطه».

بنابراین، فقیه، در مقام استنباط حکم یک حادثه و مسئله، لازم است ابتدا به منابع و مدارک معتبر رجوع کرده و در صورت عدم ذکر حکم آن مسئله به صورت صریح، با استفاده از اشباه و نظایر و اصول و قواعد، حکم آن را کشف نماید. از این رو فقاهت، توأم است با فهم عمیق و دقیق و همه‌جانبه. دانشی که مقدمه ورود به فقه اسلامی است، اصول فقه نام دارد. بسیاری از اصولیون متقدم، علم اصول فقه را چنین تعریف کرده‌اند: «أصول الفقه هی القواعد الممهدة لاستنباط الأحکام الشرعية الفرعية من أدلتها؛ اصول فقه، عبارت است از مجموعه قواعدی که به منظور استنباط احکام شرعی فرعی از روی ادله آنها، تنظیم شده است.» متأخرین، بر تعریف فوق اشکال‌هایی را وارد کرده‌اند که مجالی برای طرح آنها نیست.

فقه و اصول، دو علم به هم وابسته هستند. وابستگی آنها به یکدیگر، نظیر وابستگی تمامی علوم به علم منطق است؛ یعنی همان‌طور که علم منطق روش درست فکر کردن و مسیر صحیح استدلال نتیجه‌بخش در هر علمی را به ما یاد می‌دهد، علم اصول هم روش درست استنباط کردن در فقه را به فقیه می‌آموزد. پس، علم اصول به منزله ابزاری برای علم فقه است و یک علم آلی به شمار می‌آید.

با گذر از عصر صدر اسلام که مردمان تکالیف خویش را مستقیماً از معصومین(ع) می‌گرفتند و عصر صحابه که به نقل احادیث در تعیین وظایف اکتفا می‌جستند، در زمان‌های بعدی، ناقلان و راویان احادیث فزونی گرفتند و مشکلات بسیاری در خصوص استفاده از روایات که در حقیقت تفسیری بر قرآن و در جهت تعیین وظایف مسلمانان بود، پیش آمد. افرادی به جهت تأمین اهداف سیاسی و شخصی، به دروغ از زبان پیامبر(ص) و امامان(ع)، نقل حدیث نمودند. در نتیجه، در چگونگی احوال راویان تردید شد و در پیروان دین از لحاظ: زبان، فرهنگ، شیوه نگرش و تفکر، اندازه معلومات و چگونگی عادات، اخلاق، آداب و رسوم، اختلاف و تفاوت فراوان پدید آمد. از این رو، کار فهم تکالیف دینی، به کلی دگرگون شد و معرفت دین و عمل به وظایف شرعی و الهی، دشوار گشت.

در چنین بستری، پیروان حقیقی دین اسلام که طالب کشف دستورات و فرامین دینی بودند و دسترسی به امام معصوم(ع) هم نداشتند، با مشکلات فراوانی روبه‌رو شدند؛ مشکلاتی از قبیل: تعارض برخی از روایات با قرآن و یا با روایات دیگر، مبهم بودن دلالت پاره‌ای از احادیث، گوناگونی

الفاظ قرآن و سنت (عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ و...)، اعتبار یا عدم اعتبار برخی از دلایل (مثل: قیاس، اجماع و عقل در کنار کتاب و سنت) و به طور کلی، حجیت ادله از حیث سند و دلالت. در پی این‌گونه مسائل و همانند آنها، به تدریج علمی تدوین شد تا در رفع این مشکلات و رسیدن به قواعد و قوانینی برای استنباط راهنما گردد. بنابراین، باید گفت غرض و هدف اصلی علم اصول، توانا شدن بر استنباط احکام شرعی فرعی و استخراج تکالیف دینی از ادله آنها می‌باشد.

علم اصول، یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی است که جایگاه آن، بر پژوهشگران به طور عموم، و بر دانشجویان فقه و حقوق به طور خصوص، روشن است. در تبیین اهمیت این دانش، همین بس که امروزه دستیابی به احکام شریعت، بدون آن ناممکن است و این علم، علاوه بر اینکه نسبت به علم فقه (علم دستیابی به احکام الهی) در حکم ابزار است، همانند علم منطق، به صورت مستقل نیز ارزش و اهمیت ویژه‌ای دارد.

با توجه به تعریفی که از علم فقه ارائه شد، معلوم می‌گردد علم فقه، مملو از مستندات و ادله‌ای است که با آنها احکام شرعی اثبات می‌شود؛ ولی چون بسیاری از این ادله و مستندات، در موارد متعددی در استنباطات کاربرد دارد، علما را بر آن داشت که این ادله را به‌عنوان اصول و قواعد کلی در علم دیگری به نام «علم اصول»، بحث و بررسی نمایند و حاصل آن را در علم فقه به کار بگیرند و اینجا بود که علم اصول پیدا شد.

همان‌گونه که برخی از اندیشمندان گفته‌اند، اولین کسانی که در مورد علم اصول سخن گفتند و آن را پایه‌گذاری کردند، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بودند که قواعد اصولی را بر اصحاب خود املا نمودند و مجموعه این قواعد را برخی از علمای متأخر، در کتبی مثل *الأصول الأصلية و الفصول المهمة فی أصول الأئمة* جمع‌آوری کرده‌اند.

نخستین کتاب در مورد مسائل علم اصول، رساله‌ای در زمینه مباحث الفاظ است که تألیف شاگرد امام صادق(ع) و امام کاظم(ع)، هشام بن حکم می‌باشد. پس از وی، یونس بن عبدالرحمن، کتاب *اختلاف الحدیث و مسائله* را که مربوط به بحث تعارض اخبار و مسائل تعادل و ترجیح است، تألیف کرد.

این دو عالم شیعی، در تألیف کتاب اصولی، بر محمد بن ادریس شافعی و استادش محمد بن حسن شیبانی تقدم دارند. عالمان مشهور شیعی که تا زمان شیخ طوسی(ره)، کتاب‌هایی را در علم اصول تألیف کرده‌اند، عبارت‌اند از: ابوسهل نوبختی، حسن بن موسی نوبختی، محمد بن احمد بن جنید اسکافی، ابن عقیل عمّانی، ابومنصور صرام نیشابوری، محمد بن احمد بن داود بن علی بن الحسن (مشهور به ابن داوود و شیخ القمیین)، شیخ مفید و سید مرتضی.

در مرحله بعد، این علم، توسط کسانی همچون: شیخ طوسی، شیخ سدیدالدین حمصی، ابن ادریس، محقق، علامه حلی و شهید اول، به رشد قابل توجهی رسید. پس از رکود علم اصول در عصر اخباریگری، این افول توسط وحید بهبهانی شکسته شد و به دنبال ایشان، شاگردانش کتاب‌های اصولی متعددی را تألیف نمودند.

سپس، شیخ انصاری در خصوص مباحث حجج و امارات و تعارض ادله، طرحی نوین در علم اصول ابداع کرد. وی مباحثی مانند: قطع، علم اجمالی و اصول عملیه را به‌گونه‌ای مبسوط و جدید ارائه نمود که فتح بابی شد برای دقت‌های عمیقی که بعد از ایشان در این علم صورت گرفت.

علم اصول، یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی است که جایگاه آن، بر پژوهشگران به طور عموم، و بر دانشجویان فقه و حقوق به طور خصوص، روشن است. در تبیین اهمیت این دانش، همین بس که امروزه دستیابی به احکام شریعت، بدون آن ناممکن است و این علم، علاوه بر اینکه نسبت به علم فقه (علم دستیابی به احکام الهی) در حکم ابزار است، همانند علم منطق، به صورت مستقل نیز ارزش و اهمیت ویژه‌ای دارد

در مرحله بعدی، عالمان اصولی دیگر همانند: سید حسن شیرازی مجدد، آخوند خراسانی، مرحوم نائینی، مرحوم آقاضیاء عراقی، محمدحسین اصفهانی (کمپانی) و مرحوم آیت‌الله خویی، دقت‌های اصولی غیرقابل وصفی صورت دادند؛ به طوری که این علم، فعلاً یکی از مفاخر بزرگ جامعه شیعی به حساب می‌آید.

لقای قواعد اصولی از سوی پیشوایان معصوم شیعه (ع)، به عنوان یکی از عوامل مهم بیدایش اصول فقه، سبب شد تا اصول فقه شیعی، از غنای شگفت‌انگیزی برخوردار باشد؛ تا آنجا که فکر اصول عملیه که راهگشای استنباط حکم مسئله از مصادر و منابع است، از سوی امامان شیعه (ع) ایجاد شد. امروزه، علم اصول از دیدگاه شیعه، دارای ابواب مختلفی است که همه قواعد و قوانین لازم اصولی را دربرمی‌گیرد و شخص را در این راستا، برای استنباط احکام الهی یاری می‌کند؛ بی‌آنکه در این زمینه و حتی در مسائل جدید و مستحدث، با مشکل مواجه شود.

مباحث مهم علم اصول

مباحث اصلی اصول فقه، به پنج بخش تقسیم می‌شود:

۱. مباحث الفاظ

در این بخش، از معانی و ظواهر الفاظی بحث می‌گردد که در فقه کاربرد فراوان دارد؛ مثل بحث از ظهور فعل امر در وجوب یا ظهور فعل نهی در حرمت؛ که در واقع، بحث از صغریات اصالة الظهور است.

۲. مباحث عقلیه

در این قسمت، از لوازم عقلیه احکام شرعی بحث می‌شود؛ به این معنا که اولاً، آیا ملازمات عقلیه‌ای که در عالم تکوین و واقع، بین اشیای خارجی وجود دارد، در عالم تشریح بین احکام شرعیه نیز وجود دارد؟ ثانیاً، آیا بین حکم شرع و حکم عقل، ملازمه هست؟ ثالثاً، آیا با قرار گرفتن حکم شرعی در صغری و انضمام حکم عقلی کبروی، می‌توان حکم شرعی را استنباط کرد؟ ما می‌دانیم که مقدمه واجب، عقلاً واجب است؛ ولی آیا عقل می‌تواند حکم کند که مقدمه واجب، شرعاً هم واجب است؟

۳. مباحث حجت

در اینجا بحث می‌شود که چه اموری حجیت و دلیلیت بر حکم شرعی دارند و چه اموری دارای چنین امتیاز و اعتباری نیستند و در نتیجه، مثلاً ثابت می‌شود که خبر واحد، حجت است؛ ولی شهرت فتوایی، حجت نیست.

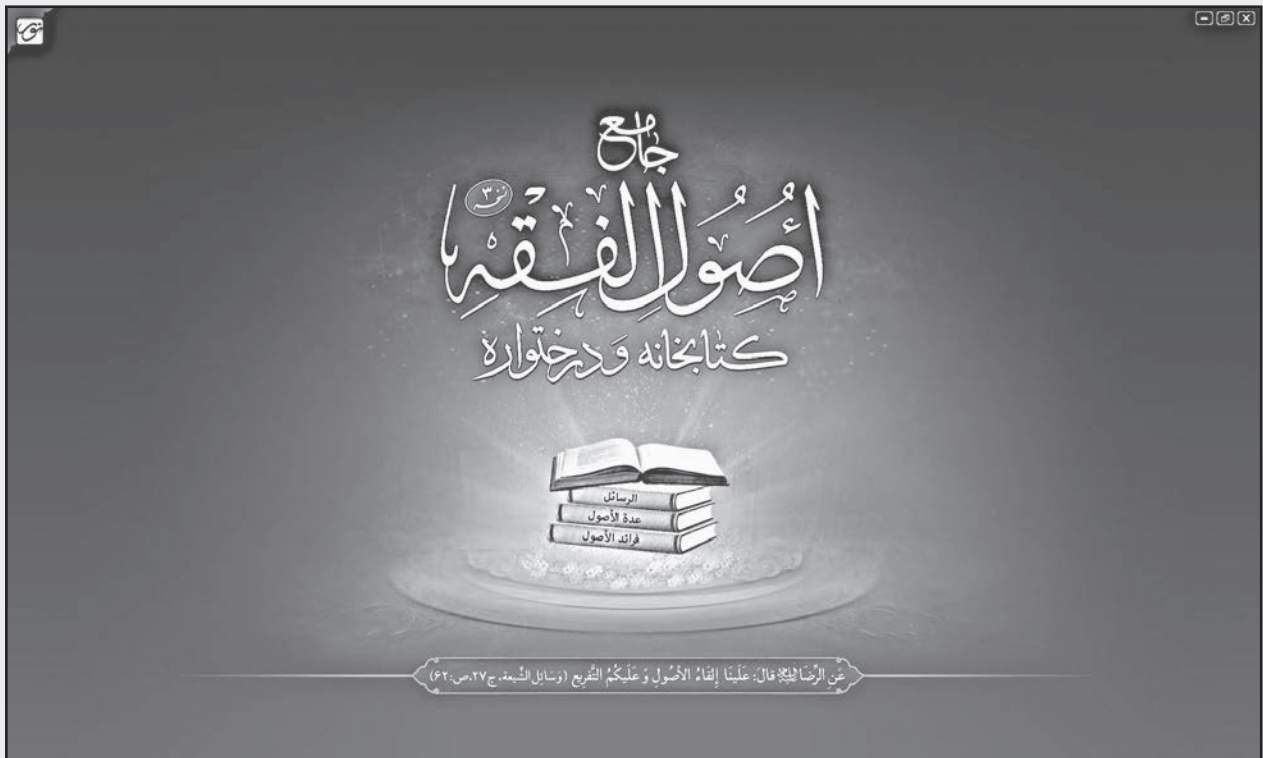
۴. مباحث اصول عملیه

در این بخش، بحث می‌شود که اگر مجتهد، دستش از ادله اجتهادی که همان امارات است، کوتاه شد و نتوانست حکم شرعی را از این طریق استنباط کند، وظیفه‌اش در مقام عمل چیست؟ در اینجا چهار اصل عملی، یعنی: استصحاب، برائت، احتیاط و تخییر و شرایط جریان هر یک، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵. مباحث تعارض ادله

این بحث، با عنوان تعادل و ترجیح مطرح می‌گردد و در آن، قواعد مربوط به تعارض ادله بررسی می‌شود و اینکه در چه شرایطی، دو دلیل با هم یکسان هستند و ترجیحی بر یکدیگر ندارند و در نتیجه، به هیچ‌کدام نمی‌شود عمل کرد و در چه شرایطی یک دلیل بر دلیل دیگر مقدم می‌شود و ترجیح می‌یابد.

بعضی از اصولیون، مثل صاحب کفایه، بحث «اجتهاد و تقلید» را به‌عنوان تکمله مباحث اصول مطرح کرده‌اند؛ از این جهت که برخی از فروعاتش، ارتباط خاصی با مباحث علم اصول داشته است؛ ولی اغلب علما، آن را در ابتدای مباحث فقهی مطرح کرده‌اند که حق مطلب هم همین است.



ادوار علم اصول

برای علم اصول فقه در طول تاریخ، ادواری متصور است که هر یک دارای مزایایی خاص است و در تاریخ تحول این علم، تأثیر بسزایی داشته است. این ادوار، بعضی به اهل سنت اختصاص دارد و برخی هم به شیعه و بعضی دیگر، بین هر دو مذهب مشترک است. در این نوشتار، به اختصار به ادوار تاریخی علم اصول فقه اشاره می‌کنیم.

۱. دوره تأسیس

بدیهی است از صدر اسلام، به‌خصوص پس از رحلت پیامبر اسلام(ص)، باب اجتهاد و تمسک به قواعد اصولی برای استنباط احکام باز بوده و صحابه و تابعین و فقها، پیوسته در استنباطات خود، هرچند به‌طور ارتکازی، به این قواعد استناد می‌جستند؛ یعنی مثلاً امر را بر وجوب، نهی را بر حرمت حمل می‌کردند و عام را به خاص، تخصیص می‌دادند و مطلق را به مقید تقیید می‌کردند. همچنین، به ظواهر الفاظ عمل می‌نمودند و به اجماع و خیر ثقه، استناد می‌جستند.

آیت‌الله سید حسن صدر در کتاب تأسیس الشیعه، مؤسس علم اصول را امامین هم‌امین، حضرت باقر و حضرت صادق(علیهما السلام) دانسته است.

۲. آغاز تصنیف

مسائل علم اصول که در گذشته استقلال نداشت و در خلال مسائل فقهی مطرح می‌شد، در این دوره، استقلال خود را به دست آورد. علامه سید حسن صدر، مؤسس علم اصول را صادقین(ع) دانسته و اولین مصنف در علم اصول، هشام‌بن‌الحکم، شیخ متکلمان امامیه است که کتاب الألفاظ و مباحثها را تصنیف کرده و پس از او یونس‌بن‌عبدالرحمن، کتاب إختلاف الحدیث را که همان مبحث تعادل و ترجیح است، از امام موسی‌بن‌جعفر(ع) روایت کرده است.

دانشمندان شیعه پیش از اهل سنت به تدوین پاره‌ای از مسائل علم اصول مشغول شدند؛ اما این امر، نه به جهت آن بود که می‌خواستند مسائل اصولی را در راه استنباط احکام فرعی به کار برند؛ چه، در این زمان، هنوز پیشوایان مذهبی آنان در قید حیات بودند و با وجود آنان، شیعه برای استنباط احکام، خود را نیازمند به کار بردن مسائل اصولی نمی‌دید؛ بلکه غالباً به دلیل این بود که در مقابل اهل سنت از عقاید خاص خویش دفاع کنند.

۳. دوره اختلاط

دوره سوم، دوره اختلاط علم اصول با علم کلام است. این دوره، بیشتر به اهل سنت اختصاص دارد. متکلمان اهل سنت، به‌خصوص معتزله که بیشتر اهل بحث و جدل بودند، در علم اصول وارد شدند و آن را از مسیر اصلی خود که استنتاج احکام فرعی است، تا حد زیادی منحرف ساختند و مسائل اصولی را کلی و مجرد از مسائل فرعی، مورد مطالعه قرار دادند.

این دوره، هرچند به اهل سنت اختصاص دارد، ولی شیعه هم مقارن این دوره، در پاره‌ای از مسائل اصولی تصنیفاتی داشته است.

۴. دوره کمال و استقلال مجدد

دوره چهارم، دوره کمال و استقلال مجدد علم اصول است. این دوره، برخلاف دوره گذشته، به

شیعه اختصاص دارد و در حقیقت، دومین دوره تدوین اصول فقه شیعه امامیه است. در این دوره، علم اصول سادگی اولی خود را از دست داد، کمال و پختگی پیدا کرد و از آمیختگی با مسائل علم کلام، تا حدودی رهایی یافت. شیعه که تا اوایل قرن چهارم (سال ۳۲۹ق) که غیبت کبری به وقوع پیوست، به علت دسترسی به امامان یا به نواب خاص، خود را به اجتهاد به معنای وسیع نیازمند نمی‌دید، بلافاصله پس از غیبت امام، نیاز شدید خود را به فتح این باب احساس کرد.

از جمله اولین کسانی که به این ضرورت پی برده و فقه را از صورت نقل متون روایات خارج ساخته و در حقیقت، اجتهاد شیعه را پی‌ریزی نمودند، می‌توان به محمدبن‌احمدبن‌الجنید، معروف به اسکافی و ابن‌جنید (متوفای ۳۸۱ق) اشاره کرد.

پس از این، شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ق)، اجتهاد شیعه را سازمان داد. مفید در علوم مختلف، تصنیفات بسیاری دارد. از جمله تصنیفات او، کتابی است در اصول فقه که یکی از شاگردانش به نام شیخ ابوالفتح کراچکی (متوفای ۴۴۹ق) از او روایت کرده و همه آن را در کتاب کنز الفوائد خود درج کرده است.

پس از مفید، سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ق) با تألیف الذریعة إلى أصول الشریعة و شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ق) با نگارش عدة الأصول، علم اصول را به غایت کمال عصر خویش رساندند. این دو کتاب همانند یکدیگر، تمام مسائل اصولی را مطرح ساخته و پس از نقل اقوال و ادله هر یک، آن‌طور که مذهب شیعه و مبانی علمی مصنف اقتضا داشته، تحقیق کرده است.

گفتنی است، با اینکه شیعه در حدود سه قرن، دیرتر از اهل سنت به کار اجتهاد و به کار بردن قواعد اصولی برای استنباط احکام شرعی پرداختند، اما دیری نپایید که آن را به غایت کمال ممکن آن عصر رساندند.

۵. دوره رکود استنباط و توقف علم اصول شیعه امامیه

این دوره، از وفات شیخ طوسی تا عصر ابن‌ادریس حلی (متوفای ۵۹۸ق) ادامه داشت. پس از شیخ طوسی، تا حدود متجاوز از یک قرن، اجتهاد شیعه متوقف ماند. ابن‌ادریس و جماعتی، دانشمندان این عصر را مقلده می‌نامیدند؛ زیرا آنان همه در فقه از شیخ طوسی پیروی می‌کردند و خود در مقام استنباط و به کار بردن قواعد اصولی بر نمی‌آمدند؛ درعین‌حال، در این دوره نیز کتاب‌هایی در علم اصول نوشته شد.

شاید بتوان کتاب غنیه ابن‌زهره را سرفصل کتاب‌های دوره بعد دانست؛ چون نویسنده این کتاب، احیاناً به مخالفت‌هایی با شیخ طوسی برخاسته است.

۶. دوره نهضت مجدد

این دوره، به‌وسیله ابن‌ادریس حلی (متوفای ۵۹۸ق) آغاز شد و ابن‌زهره علوی (متوفای ۵۸۵ق) تا حدودی به تکون آن کمک کرد. ابن‌زهره در کتاب اصولی خویش به نام غنیه النزوع، با پاره‌ای از آرای شیخ طوسی که تا آن زمان مورد مخالفت واقع نشده بود، به مخالفت برخاست. ابن‌ادریس کتاب سرائر را که یکی از مهم‌ترین منابع فقهی شیعه است، تصنیف کرد.

وی در این کتاب، تنها به بیان آرای فقهی خود نپرداخته است؛ بلکه در هر فرع، مبنای اصولی مسئله را نیز ذکر کرده و حتی گاهی در یک فرع، چندین مسئله اصولی را مطرح ساخته است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بنا بر رسالت و وظیفه دیرینه خود در راستای مدیریت اطلاعات منابع اسلامی، اقدام به جمع آوری آثار اصولی علمای نامدار کرده است تا راه وصول به مطالب ناب اصولی را هموار سازد و در مسیر احیای کتب و رساله‌های دانشمندان اصولی، قدمی هرچند اندک بردارد. روشن است که استفاده از ابزار و فناوری نوین اطلاعاتی با قابلیت‌های جدید، می‌تواند بازیابی اطلاعات مکتوب را تسریع و تسهیل بخشد

این نهضت، متوقف نماند و پیوسته به پیش می‌رفت تا اینکه به‌وسیله محققان و نوابغی از قبیل: محقق حلی (متوفای ۶۷۶ق) و شاگرد و خواهرزاده او، علامه حلی (متوفای ۷۲۶ق) و دیگران، علم اصول و همچنین علم فقه، بار دیگر کمال خود را بازیافت.

۷. ضعف و فتور علم اصول

این دوره، در اثر نهضت اخباریان به وجود آمد و از مهم‌ترین پیشاهنگان این نهضت، مولی محمدامین استرآبادی (متوفای ۱۰۳۳ق)، نویسنده کتاب الفوائد المدنیة بود.

او از دشمنان سرسخت مجتهدان بود و همه را از قدیمین تا شهیدین و دیگر دانشمندان، به‌سختی به باد انتقاد می‌گرفت و از پیروان مکتب اهل سنت می‌دانست و کتاب الفوائد المدنیة خود را در ردّ بر مجتهدان نگاشت. اخباریان، مؤسس علم اصول را اهل سنت می‌دانستند و معتقد بودند که مسائل این علم بعد از غیبت کبری به وجود آمده و نیز این دانش سبب می‌شود که نصوص مذهب، اهمیت خود را از دست بدهد.

بدیهی است که بطلان این سخنان، آشکار است و نیاز وافر به اطاله کلام ندارد. به‌هرحال، پیدایش اخباریان در این عصر، باعث ضعف و رکود علم اصول شد؛ البته در این دوره، با وجود برخورد شدیدی که میان اخباریان و اصولیان وجود داشت، کتاب‌های مهمی در علم اصول نوشته شد که از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- غایة المأمول فی شرح زبدة الأصول، نوشته فاضل جواد؛

- حاشیه معالم، اثر سلطان العلماء؛

- حاشیه زبدة الأصول، به قلم سلطان العلماء؛

- وافیة، نوشته فاضل تونی.

۸. روی کار آمدن دوباره علم اصول

این دوره که مؤسس آن استاد اکبر، وحید بهبهانی و آقا باقر بهبهانی (متوفای ۱۲۰۶ق) است،

اسلام و پرورش یافته در دامان آن است، بی‌شمار و بسیار متنوع است و این روند، همچنان ادامه دارد. بدیهی است که گردآوری مهم‌ترین آثار اصولی و تتبع و دستیابی به همه زوایای آن به شیوه سنتی، کاری بس دشوار، بلکه ناممکن است؛ به‌ویژه در این دورانی که به جهت گسترده شدن همه علوم و فنون و روی نمودن نیازها و خواسته‌ها و پرسش‌های فراوان در هر رشته‌ای و اندک بودن نقد عمر در این شلوغ‌بازار رنگارنگ و پُرکالا، تلاش محققان گوهرشناس و طالبان گنج دانش، همواره بر این است که کمترین سرمایه و نقد را بدهند و بیشترین و بهترین و خوش‌تراش‌ترین بهره و کالا و گوهر را دریافت نمایند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بنا بر رسالت و وظیفه دیرینه خود در راستای مدیریت اطلاعات منابع اسلامی، اقدام به جمع‌آوری آثار اصولی علمای نامدار کرده است تا راه وصول به مطالب ناب اصولی را هموار سازد و در مسیر احیای کتب و رساله‌های دانشمندان اصولی، قدمی هرچند اندک بردارد. روشن است که استفاده از ابزار و فناوری نوین اطلاعاتی با قابلیت‌های جدید، می‌تواند بازیابی اطلاعات مکتوب را تسریع و تسهیل بخشد.

این مرکز، تاکنون در راستای احیای معارف اصولی، در موارد ذیل، پژوهش‌هایی را در قالب کتابخانه دیجیتال تولید کرده و در اختیار علاقه‌مندان به این عرصه قرار داده است:

۱. معجم موضوعی رسائل و کفایه

این مجموعه، در ضمن سری نرم‌افزارهای نور الفقاهه نسخه ۱ تا ۴ تولید شده است.

۲. کتابخانه اصول - نسخه ۱ (نور الأصول)

این برنامه، با محتوا و قابلیت‌های ذیل در سال ۱۳۷۹ به جامعه علمی تقدیم شده است:

- تعداد ۷۵ عنوان کتاب در ۱۷۶ جلد از ۵۱ نویسنده معتبر؛

- پیوند شرح و متن در کتاب‌های کفایه، رسائل، معالم، قوانین، درر الفوائد با شروح و حواشی، مجموعاً بیش از ۵۰ جلد (درر الفوائد با افاضة العوائد، ۳ جلد؛ قوانین با حاشیه شیخ بر استصحاب قوانین، ۲ جلد؛ معالم با حاشیه سلطان، ملا صالح و هدایة المسترشدين، ۴ جلد؛ رسائل با أوثق الوسائل، بحر الفوائد، تقریرات مجدد شیرازی، حاشیه آخوند (قدیم و جدید) و حاشیه همدانی، ۱۲ جلد؛ کفایة الأصول با أنوار الهدایة، حاشیه علامه، حاشیه بروجردی، حقائق الأصول، حواشی المشکینی، عنایة الأصول، منتهی الدرایة، کفایة الدرایة و نهایة النهایة، ۳۲ جلد)؛

- ضمیمه شدن اصطلاحات اصولی به برنامه، از روی کتاب اصطلاحات الأصول، اثر آیت‌الله مشکینی؛

- قابلیت‌های عمومی نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای مرکز.

۳. جامع اصول فقه - نسخه ۲

این برنامه، در طی مدت دو سال، با محتوا و قابلیت‌ها و ویژگی‌های ذیل، به مجامع علمی تقدیم گردید:

- ۴۱۰ عنوان کتاب در بیش از ۹۰۸ جلد از ۲۴۰ مؤلف.

گفتنی است که کتب مهم مربوط به قواعد اصولی و فقهی، اجتهاد و تقلید، اصطلاحات و معاجم، تاریخ علم اصول و همچنین کتاب‌های فقهی که به‌صورت ضمنی به مباحث اصول پرداخته، به این مجموعه، ملحق شد.

- بیش از ۵۸ شرح معتبر بر کتاب‌های: معالم الدین، هداية المسترشدين، الفصول الغروية، قوانین الأصول، فوائد الأصول، فرائد الأصول، كفاية الأصول، درر الفوائد، اصول فقه مرحوم مظفر، حلقات شهید صدر و أصول الإستنباط.

- دسته‌بندی کتب در گروه‌های: اصولی، اصولی - فقهی، تاریخچه، قواعد، اصطلاحات و شروح، حواشی و تعلیقه‌ها.

- دسته‌بندی موضوعی کتب تحت عنوان‌های: مبادی، مباحث الفاظ، امارات و حجج، قیاس، استحسان، مصالح مرسله، سد و فتح ذرایع، اصول عملیه، تسامح در ادله سنن، قواعد، تعارض ادله و امارات، اجتهاد و تقلید.

- اضافه شدن قابلیت‌های مختلف، مانند:

امکان چندسندی در نمایش و جست‌وجو؛ تغییر اندازه صفحه نمایش در نمایشگرهای مختلف؛ انتقال مطالب به صورت مستقیم به پرونده‌های Word؛ نمایش هم‌زمان و مرتبط متن با ترجمه‌ها و شروح؛ جست‌وجو از طریق ریشه کلمات؛ گروه‌بندی چندسطحی در دامنه کتب؛ ساده‌سازی محیط جست‌وجو؛ استفاده از فهرست‌گزینی برای کاوش سریع در عناوین فهرست کتب؛ جست‌وجوی برخط (Find) در قسمت‌های مختلف؛ افزایش قابل توجه کتاب‌های لغت؛ نمایش یا عدم نمایش اعراب و سرصفحه.

۴. جامع اصول فقه - نسخه ۳ (کتابخانه و درختواره)

این محصول که جدیدترین نسخه اصول فقه نور به شمار می‌رود، در دو بخش «کتابخانه» و «درختواره» به جامعه علمی تقدیم شده است. در ادامه، به توضیح محتوا و قابلیت‌های آن می‌پردازیم.

بخش‌های مهم «جامع اصول فقه - نسخه ۳»

کتابخانه و درختواره دو بخش اصلی این نرم‌افزار را تشکیل داده است.

الف. کتابخانه

مهم‌ترین وجوه امتیاز نسخه جدید «جامع اصول فقه» نسبت به نسخه قبلی همین نرم‌افزار را می‌توان این گونه برشمرد:

- ارتقای تعداد کتب از ۴۱۰ عنوان (در نسخه پیشین) به ۸۸۸ عنوان کتاب.

- اضافه شدن کتب اصولی اهل سنت به برنامه. تقریباً ۲۲۲ عنوان از این ۸۸۸ تعداد را کتب اصولی اهل سنت تشکیل می‌دهد. بسیاری از اصطلاحات اصولی، از منابع اهل سنت سرچشمه گرفته و به گونه‌ای می‌توان گفت آنها زودتر به سراغ تدوین اساسی و جامع علم اصول پرداخته‌اند؛ زیرا در ابتدای دوره تصنیف، آنها به دلیل اقتضائات زمانی خودشان، زودتر احساس نیاز به تدوین کتب اصولی کردند و اگرچه اصحاب ائمه (ع) در تصنیف مطالب اصولی بر بقیه پیشی گرفتند، ولی آن تصانیف، هر کدام به بخشی از مسائل علم اصول پرداختند؛ اما کتابی را که نسبتاً جامع در بردارنده مسائل اصلی علم اصول باشد، در اولین وهله، به قلم شافعی نوشته شده است. بنابراین، ضرورت توجه به کتب اصولی اهل سنت، به خصوص کتب اصولی متقدمین ایشان، ما را بر این داشت که به اضافه نمودن کتب اصولی اهل سنت به کتابخانه علم اصول، اهتمام ورزیم تا کاربران محترم بتوانند



مهم‌ترین وجوه امتیاز نسخه جدید «جامع اصول فقه» نسبت به نسخه قبلی همین نرم‌افزار را می‌توان این گونه برشمرد:

- ارتقای تعداد کتب از ۴۱۰ عنوان (در نسخه پیشین) به ۸۸۸ عنوان کتاب.
- اضافه شدن کتب اصولی اهل سنت به برنامه. تقریباً ۲۲۲ عنوان از این ۸۸۸ تعداد را کتب اصولی اهل سنت تشکیل می‌دهد. بسیاری از اصطلاحات اصولی، از منابع اهل سنت سرچشمه گرفته و به گونه‌ای می‌توان گفت آنها زودتر به سراغ تدوین اساسی و جامع علم اصول پرداخته‌اند



در کنار طرح نظریات علمای شیعه، نظریات عامه را هم ملاحظه نمایند.

- ۳. قابلیت ترتیب و چینش کتب اصولی به حالت‌های مختلف؛ از جمله ترتیب از جهت: دوره‌های مختلف، پدیدآوران، مذهب، قرن، کتب قواعدی، کتب اصطلاحات، کتب تاریخ علم اصول، تقریرات، شرح و متن‌ها و زبان.
- ۴. قابلیت دسترسی آسان به قرآن و لغت‌نامه‌ها و معاجم.
- ۵. امکان جداسازی کتاب‌های مورد نیاز و پُرکاربرد در قسمت قفسه‌های من.
- ۶. امکان نمایش کتاب‌ها به صورت فهرستی و کتابخانه‌ای با نمایش تصویر روی جلد کتاب.

ب. درختواره

درختواره یا نمودار درختی علم اصول، نمایی از عناوین کلی و جزئی است که به صورت طبقه‌بندی ابواب در شاخه‌های منظم عرضه می‌شود و مسائل و موضوعات آن علم را به صورت نموداری به ترتیب ابواب آن علم، گردآوری می‌کند و در نتیجه، یک نظام هدفمند و چینش منطقی در بین عناوینی را که گاهی پراکنده می‌باشد، فراهم می‌سازد تا دسترسی کاربران و پژوهشگران به آن آسان باشد؛ به دیگر معنا، درختواره، یعنی عرضه اطلاعات متن به صورت دسته‌بندی منطقی و طبقه‌بندی منظم، حول محوری واحد و هماهنگ برای متون و منابع متعدد در هر علم.

روش کار در ایجاد درختواره، بدین گونه بود که تنظیم اولیه ابواب و فروع درختواره را بر اساس کتاب کفایة الأصول مرحوم آخوند خراسانی قرار دادیم؛ زیرا فقهای عظام به این کتاب و نوع دسته‌بندی بدیع همراه با تبیین فروع اصولی آن، توجه ویژه‌ای دارند. در مجموع، ۱۶ عنوان از کتاب‌های پُرکاربرد از ۸ مؤلف دیگر را به شاخه‌های احداث شده وصل کردیم و اگر هم شاخه‌ای وجود نداشت، آن را ایجاد نمودیم و بدین ترتیب، محتوای نمودار کم‌کم غنی‌تر و پُربارتر شد. مجموع کتاب‌های متصل شده به درخت، به ترتیب ذیل است:

۱. فرائد الأصول، شیخ انصاری؛



۲. كفاية الأصول، آخوند خراسانی؛

۳. فوائد الأصول، محقق نائینی؛

۴. أجود التقريرات، محقق نائینی؛

۵. نهاية الأفكار، محقق عراقی؛

۶. نهاية الدراية، محقق اصفهانی؛

۷. مصباح الأصول، محقق خوئی؛

۸. المحاضرات، محقق خوئی؛

۹. تهذيب الأصول، امام خمینی؛

۱۰. مناهج الوصول، امام خمینی؛

۱۱. الاجتهاد والتقليد، امام خمینی؛

۱۲. الإستصحاب، امام خمینی؛

۱۳. أنوار الهداية في التعليقة على الكفاية، امام خمینی؛

۱۴. بدائع الدرر في نفى قاعدة الضرر، امام خمینی؛

۱۵. التعادل والتراجيح، امام خمینی؛

۱۶. بحوث في علم الأصول، شهيد صدر.

درختواره، دارای ریشه، تنه، شاخه و زیرشاخه و برگ است. ریشه، عنوان خود آن علم است و تنه، ابواب اصلی و مدخل آن علم به شمار می‌رود. شاخه‌ها، عناوین کلی مباحث هر باب را شامل می‌شود و زیرشاخه عناوین جزئی‌شده هر باب است که ممکن است فقط یک مرحله یا مراحل بیشتری پیشرفت داشته باشد و برگ‌ها، آخرین حلقه‌هایی هستند که به منزله رابط‌های مستقیم، با متون کتب متصل شده به درختواره ارتباط دارند.

ده شاخه اصلی درختواره، عبارت است از:

۱. مقدمات مباحث علم اصول؛

۲. مباحث الأحكام؛

۳. مباحث عقلیه؛

۴. مباحث لفظیه؛

۵. مباحث حجج و امارات؛

۶. مباحث اصول عملیه؛

۷. مباحث تعارض؛

۸. مباحث تراحم؛

۹. قواعد؛

۱۰. اجتهاد و تقلید.

شایان ذکر است، شاخه «قواعد» فقط دربردارنده قواعدی است که در کتاب‌های متصل به درختواره ذکر شده و در باره آن بحث شده است. بنابراین، به تمامی قواعد موجود در کتب این برنامه، پرداخته نشده است.

سایر قابلیت‌های پژوهشی

۱. نمایه مکمل

منظور از آن، چکیده بخش‌های مختلف از متون کتاب‌هاست؛ مانند: آراء، ادله، مستندات، اشکالات، پاسخ‌ها، آیات و یا روایات می‌باشد که هیچ‌گونه جایگاهی در درختواره علم اصول ندارند. از این رو، در حین تطبیق و اتصال درختواره بر متون، این عناوین، به صورت نمایه‌های مکمل، با شاخه‌های مربوطه ارتباط برقرار نموده و حفظ و نگهداری می‌شود تا پژوهشگران در صورت نیاز بتوانند آنها را به راحتی مورد استفاده قرار دهند.

این امر، به مکمل‌های اصولی اختصاص ندارد و گاه متنی در مقام بیان مطلب فقهی، قرآنی، فلسفی، رجالی، ادبی و یا تاریخی قرار دارد که این نیز به صورت عناوین مکمل یا نمایه بر متن عرضه می‌گردد.

درختواره، دارای ریشه، تنه، شاخه و زیرشاخه و برگ است. ریشه، عنوان خود آن علم است و تنه، ابواب اصلی و مدخل آن علم به شمار می‌رود. شاخه‌ها، عناوین کلی مباحث هر باب را شامل می‌شود و زیرشاخه عناوین جزئی شده هر باب است که ممکن است فقط یک مرحله یا مراحل بیشتری پیشرفت داشته باشد و برگ‌ها، آخرین حلقه‌هایی هستند که به منزله رابط‌های مستقیم، با متون کتب متصل شده به درختواره ارتباط دارند

۲. مرتبطات

گاه پاره‌ای از مباحث یک باب، با مباحث باب دیگر ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ به گونه‌ای که آن دو می‌توانند در تبیین یک موضوع خاص، مکمل یکدیگر واقع شوند؛ مثلاً بحث علم اجمالی و تطبیقاتش، هم در باب امارات مبحث قطع مطرح می‌شود و هم در باب اصول عملیه مبحث اصاله الإحتیاط عرضه می‌شود. این امر، ما را بر آن داشته تا بین شاخه‌ها یا برگ‌هایی از درخت که چنان ارتباطی با یکدیگر دارند، پیوند ایجاد نماییم تا بدین وسیله، روابط مفهومی بین شاخه‌ها و برگ‌های مزبور و وابستگی آنها به یکدیگر شناخته شود.

۳. مترادفات

از آنجاکه بعضی کلمات و اصطلاحات، معنای واحدی دارند و به اصطلاح مترادف هستند، بر آن شدیم که اتصال مطالب را به یکی از این کلمات اختصاص ندهیم؛ بلکه همه را در این اتصال‌ها شریک کنیم تا کاربر با هر کلمه‌ای که در ذهنش آمد و خواست وارد شود، به مطالب مورد نظرش برسد و چیزی از دست نرود.

۴. ارجاعات

با توجه به شیوه اطلاع‌رسانی دقیق و منظم یک نظام درختی و گستردگی ساختار و تنوع مباحث و مطالب یک علم، گاهی ممکن است یک عنوان به اعتبار حیثیات مختلف، در جایگاه‌های متعددی نمود پیدا کند و بر همین اساس، تکرار شود. در این میان، تشخیص اصلی‌ترین جایگاه این عنوان، از مهم‌ترین شگردهایی است که معمار یک درختواره باید با دقت فوق‌العاده به آن بنگرد؛ به طوری که هر پژوهشگری با دستیابی به جایگاه‌های غیراصلی، به محل اصلی خود ارجاع داده شده و از آن مکان، با متون مندرج در آن علم ارتباط برقرار نماید؛ برای مثال، بحث استصحاب عدم ازلی، هم در باب عام و خاص مطرح است و هم در

باب استصحاب. ما در اینجا باب «استصحاب» را اصل و مرجع قرار دادیم و باب «عام و خاص» را فرع در نظر گرفتیم و در باب «عام و خاص» عنوانی را ایجاد کردیم و به باب «استصحاب» ارجاع دادیم؛ اما مرحوم آخوند خراسانی در کفایة الأصول در باب «عام و خاص» به آن اشاره نموده است.

۵. کلیدواژه

از آنجاکه بخش نمایه‌های مکمل بسیار گسترده است و قابلیت دسترسی آسان به مطالب مورد نظر را ندارد، باید راهی باشد تا کاربران بتوانند مطلب مورد نظر را در کوتاه‌ترین زمان استخراج کنند. بدین منظور، قسمت «کلیدواژه» را در برنامه ایجاد کردیم تا این کار تسهیل شود.

«جامع اصول فقه» در یک نگاه

در یک نگاه کلی، محتوای علمی و امکانات پژوهشی و کاربری نرم‌افزار «جامع اصول فقه» - نسخه ۳» را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

* متن ۸۸۸ عنوان کتاب و ۲۱۷ عنوان رساله (جمعاً ۱۱۰۵ عنوان) در ۱۷۵۳ جلد از آثار مرتبط با دانش «اصول فقه»؛

* تحلیل و دسته‌بندی محتوای ۱۵ عنوان کتاب بر اساس نمودار درختواره اصول فقه، شامل: شاخه (۲۵۸۳ شاخه)، مکمل یا نمایه (۱۵۵۴۶۹ نمایه) و کلیدواژه (۱۱۲۷۴ کلیدواژه)؛

* دسته‌بندی همه کتب برنامه بر اساس: مذهب، موضوع (اصول فقه، اصول مقارن، فرهنگ اصطلاحات و دائرة المعارفها، کلیات و تاریخ علم اصول، شرح و تعلیقه، ترجمه، قواعد و...)، کتب مرتبط، پدیدآورنده و زبان؛

* برقراری ارتباط بین متون و شرح و ترجمه آنها؛

* مرتب‌سازی کتابها بر اساس: اولویت قرن و سال وفات مؤلفان، نام پدیدآور و نام کتاب؛

* امکان مشابه‌یابی متون با امکان انتخاب درصد تشابه؛

* تفکیک و جداسازی رساله‌ها از مجموعه‌ها به همراه نام و مشخصات کتاب‌شناختی آنها؛

* بهره‌مندی از موتور جست‌وجوی پیشرفته نور، با قابلیت‌های: اولویت‌دهی پیشرفته به پاسخها؛ پالایش نتایج جست‌وجو بر اساس: کتاب، موضوعات، پدیدآور، قرون و زبان؛ انعطاف در برابر پیشوند و پسوند کلمات؛ محدودکردن جست‌وجو به: آیات، روایات و اشعار موجود در متون؛

* قابلیت مشابه‌یابی متن انتخابی با امکان تعیین درصد تشابه؛

* امکان ایجاد میز پژوهشی جهت انجام و ثبت پژوهش‌های کاربر؛

* متن قرآن کریم با قابلیت جست‌وجو در آیات، به همراه ترجمه فارسی؛

* کتاب‌شناسی و گزارش اجمالی در باره محتوای منابع و شرح حال نویسندگان کتب؛

* دسترسی به ابزار پژوه‌نگار جهت یادداشت‌برداری از کتب برنامه و ساماندهی آنها؛

* امکان به‌روزرسانی برنامه از طریق اینترنت و ارسال نظر توسط کاربر. ■